

کوشک احمدشاهی در کاخ نیاوران

مرمت شد



بنابر اعلام مجموعه کاخ نیاوران، عملیات مرمت و بهسازی بخش‌های مختلف موزه کوشک احمدشاهی، شامل تزئینات گچ‌بری، پوشش بام، اجزای سازه‌ای و سامانه زهکشی پیرامون بناانجام‌شده. به گزارش ایلنا به نقل از رسانه‌ها، کاخ موزه نیاوران اعلام کرد: در چار چوب اقدامات عمرانی و حفاظتی این مجموعه،بخش‌های مختلف‌موزه کوشک احمدشاهی با تمرکز بر مرمت تزئینات معماری، اصلاح اجزای فرسوده‌وپه‌ود وضعیت‌هدایت آب‌های سطحی‌مورد رسیدگی قرار گرفته‌اند.در بخش تزئینات معماری، عملیات زیرسازی، مرمت‌ورنگ آمیزی گچ‌بری‌های تراس طبقه‌بالای بناانجام‌شده است.همچنین گچ‌بری‌هاومرد مرمت‌وبهسازی گچ‌بر گرفته‌اند.در بخش بام‌واجزای سازه‌ای،ورق‌های فرسوده‌شیروانی تعویض وخرپاها،اصلاح‌واستحکام‌بخشی شده‌اند.اصلاح‌وفت‌زنی ناونادها نیز از دیگر اقدامات انجام‌شده‌برای بهسازی اجزای مرتبط‌با هدایت آب باران بوده‌است.برط‌رف کردن‌شور،‌ه‌های سطح‌اجر‌ها،اصلاح کانال زهکشی پیرامون بنا و مرمت در‌ها و پنجره‌های کوشک احمدشاهی نیز در شمار اقدامات اجرایی این طرح قرار دارد.مجموعه این عملیات باهدف رسیدگی به بخش‌های آسیب‌دیده،په‌ودوضعیت حفاظتی‌اجزای معماری‌و صیانت‌از ارزش‌های تاریخی ومعماری موزه کوشک احمدشاهی انجام‌شده‌است.

□□□

«محیا» به برزیل می رود



انیمیشن کوتاه «محیا» ساخته‌امیر فیضی (تولید مرکز گسترش سینمای مستند، تجربی و پویانمایی) در بخش مسابقه سومین جشنواره ای‌تای سینه برزیل روی پرده می‌رود. به گزارش روابط عمومی مرکز گسترش سینمای مستند،تجربی وپویانمایی، «محیا» ساخته‌امیر فیضی بانگه‌به‌رویدادی واقعی ساخته‌شده‌است ومخاطبان آن کودکان هستند.جشنواره‌ای‌تای سینه‌برزیل می‌کوشد تا در هر دور،فضایی برای فیلم‌سازی با پیشینه‌هاومسیرهای حرفه‌ای گوناگون فراهم کندوداستان‌ها ز بیابان‌های شناسی‌هاوتجربه‌یاری‌ادر کنار یکدیگر قرار دهد که‌از مرزها فراتر می‌روند.در سومین دوره‌ای‌ان جشنواره، ای‌تای سینه،به‌دیگر بر تعهد خودبه تنوع سینمایی وارچ‌نهان‌به آثاری تأکید می‌کند که افق‌های تازه‌ای می‌گشایند، زمینه‌ساز تأمل می‌شوندوقد‌سرت دگرگون‌کننده‌سینما را زنده نگه می‌دارند.سومین دوره جشنواره بین‌المللی فیلم کوتاهانیمیشن ای‌تایپولیس از ۱۸ تا ۲۴ آبان ۱۴۰۵،در شهر ای‌تایپولیس برزیل برگزار می‌شود.

□□□

منتفی شدن تغییر نام دو خیابان مشهد به نام رهبر شهید



سختگویی شورای اسلامی شهر مشهد مقدس گفت: تغییر نام خیابان‌های کوهسنگی ودانشگاهمشهددر جلسه فوق‌العاده شورای شهر بازنگری شد و به حالت قبلی باقی‌ماند.به گزارش مهر، موسی‌الرضا حاجی‌یلگو افزود: شورای اسلامی شهر مشهدبه‌د این مورد، جلسه فوق‌العاده و غیرعلنی تشکیل دادومعوبه‌نامگذاری دوخیابان دانشگاه وکوهسنگی‌به نام رهبر شهیدرا بازنگری کردوبه‌همان نام‌های قبلی بازگردانیم. حاجی‌یلگودر خصوص نامگذاری مجددخیلانی‌به‌نام رهبر شهید در مشهدعنوان کرد:برای نامگذاری مجددبر اساس آیین‌نامه‌ابلاغ شده‌بررسی‌های لازم‌را انجام می‌دهیم‌وبرای مکانی که قابلیت‌این کار را داشته‌باشد، اقدام خواهیم کرد.

□□□

«خوسف» میزبان ۳۰ کمپرسوار



این گردشگران در قالب کاروانی از کمپرها،بابازدید ازجاذبه‌های تاریخی و فرهنگی و آشنایی با ظرفیت‌های خوسف، بابخشی از توانمندی‌های گردشگری، اقتصادی و فرهنگی این شهرستان آشنا شدند. به گزارش وزارت میراث فرهنگی، علی صالحی اظهار کرد: معرفی توانمندی‌های شهری و روستایی خوسف، شناساندن بناها و آثار تاریخی و معرفی ظرفیت‌های اقتصادی و گردشگری مناطق مختلف شهرستان از اهداف این برنامه‌بود که می‌تواند زمینه‌افزایش شناخت گردشگران از جاذبه‌های کمتر شناخته‌شده منطقه افرارهم کند. اومستندسازی ظرفیت‌های گردشگری وفرارهم کردن زمینه معرفی خوسف به‌عنوان مقصدی برای سفر گردشگران از شهرستان‌های همجوار، استانهای همجوار و دیگر نقاط کشور را از رویکردهای مهم این میزبانی برشمرد و تصریح کرد: حضور گروه‌های گردشگری کمپرسواران فرصتی برای معرفی جاذبه‌های تاریخی، فرهنگی و روستایی و تقویت جایگاه شهرستان در مسیرهای گردشگری منطقه‌است. صالحی ادامه داد: در حاشیه این برنامه، محصولات بومی ومحلی شهرستان خوسف در حوزه‌های صنایع غذایی، صنایع دستی،منسوجات سنتی ودیگرتولیدات محلی در معرض دید گردشگران قرار گرفت تا زمینه آشنایی بیشتر آنان باهنرها، مهارت‌ها و محصولات تولیدشده توسط هنرمندان و فعالان اقتصادی شهرستان فراهم‌شود.

□□□

علیرضا قربانی و تور کنسرت «ایران» به ساری می رود

علیرضا قربانی در ادامه اجرای تور کنسرت «ایران» در شهرهای مختلف ایران، به شهر ساری می‌رود. این کنسرت از ۶ تا ۱۴ آبان ۱۴۰۵ در سالن ماهورفرج شهر ساری برگزار خواهد شد. بلیت‌فروشی اجراهای ساری از ساعت ۲۰ پنج‌شنبه ۲۹ مهر ۱۴۰۵ فقط در سایت ایران‌تیک (www.iranttc.com) خواهد بود. علیرضا قربانی در سال جاری تور کنسرت «ایران» در شهرهای تبریز، شیراز و اهواز به‌ر گزار کرد که به دلیل استقبال مخاطبان چندین بار تعدید شد.

از زندگی مشترک تا میدان جنگ؛ جهان‌های متفاوت در جشنواره چهل‌وسوم؛

فیلم کوتاه؛ جایی که ایده بدون اجرا فرو می‌ریزد



محمد تقی زاده

فیلم کوتاه را نمی‌توان فقط بامدت زمانش

شناخت. آنچه به این قالب هویت می‌دهد، شیوه فشرده‌کردن تجربه سینمایی در زمانی محدود است: چگونه یک ایده به موقعیت، کنش، تصویر و تحول شخصیت تبدیل می‌شود. در چهل‌وسومین جشنواره بین‌المللی فیلم کوتاه تهران، تنوع سوز‌ها فرصتی فراهم کرد تا نسبت میان ایده و اجرا بهتر دیده‌شود. از زنی که در برابر مناسبات قدرت می‌ایستد تا نوجوانی در میدان جنگ، از عکاسی که باید میان ثبت حقیقت و حفظ موقعیت خود انتخاب کند تا زوجی که بر سر چند سسانتی متر فضای خواب مشاجره می‌کنند. همه این آثار نشان می‌دهند فیلم کوتاه، بیش از یک قالب زمانی، نوعی اقتصاد روایی است: هر جزئیات باید سهمی در پیشبرد داستان یا تعمیق معنا داشته‌باشد.

«شب‌هول»؛ ترس به‌مثابه تجربه اجتماعی



«شب‌هول» با پیوندفضای تاریخی وجانسی با عناصر سینمای وحشت، داستان‌زنی‌را روایت می‌کند که حرف‌هاش او را در مواجهه مستقیم با مرگ و حقیقت قرار می‌دهد. انتخاب موضوع نخستین زن کالبدشکاف تاریخ ایران، تنها یک جذابیت تاریخی نیست؛ زمینه‌ای است برای است مسئله حضور زن در ساختارهای مردسالارانه. کالبدشکافی بر کشف واقعیت‌از خلال نشل‌ها استوار است، اما جهان اجتماعی داستان می‌کوشد برخی واقعیت‌ها را پنهان نگه دارد. بنابراین جست‌وجوی حقیقت از یک وظیفه حرفه‌ای به کنشی پر مخاطره تبدیل می‌شود. نکته مهم اینجاست که ترس در چنین ساختاری فقط از مرگ یا حادثه نمی‌آید؛ بخشی از آن به آگاهی شخصیت از قدرتی بازمی‌گردد که نمی‌خواهد دیده‌شود.

نورپردازی، طراحی صحنه ولباس‌وموسیقی، جهان هراس‌آلودی می‌سازند که تعلیق را از سطح اتفاق فراتر می‌برد.در سینمای وحشت، آنچه دیده نمی‌شود گاهی اثر بیشتری دارد. «شب‌هول» وقتی موفق‌تر است که ترس را به صورتی از تجربه اجتماعی شخصیت بدل کند؛ تجربه کسی که برای آشکار کردن واقعیت، ناچار است با ترس خود و مقاومت محیط روبه‌رو شود.

«ورا بام»؛ جنگ به‌عنوان آزمون ایستادگی انتخاب



فیلمی هشت دقیقه‌ای که باید در زمانی کوتاه

شخصیت را معرفی کند، بحران را بسازد و مخاطب را به نقطه تصمیم برساند. چنین فشردگی‌ای به انتخاب دقیق لحظات وابسته است.فیلم‌نمی‌تواند گذشته شخصیت را کامل شرح دهد و باید از رفتار، واکنش و جزئیات، تصویری از وضعیت بسازد.

در اینجا جنگ صرفاً پس‌زمینه حادثه نیست؛ وضعیتی است که معیارهای روزمره قضاوت را مختل می‌کند. مرز میان درست و نادرست آسان نیست و رفتار آدم‌ها را باید در نسبت با ترس، ضرورت و مسئولیت فهمید. مفهوم «انسان خاکستری» اهمیت پیدا می‌کند؛ شخصیت نه قهرمان بی نقص است ونه ضدقهرمان بساده. ارزش دراماتیک‌از لحظه‌ای می‌آید که مخاطب درمی‌یابد تصمیم شخصیت نتیجه یک انتخاب ساده نیست.بازی دانیال فرجی‌باترکیب رفتارهای متناسب با سن ولحظات دریدر شکل‌گیری این تصویر نقش دارد. حذف موسیقی نیز اگر با طراحی صدا و ریتم تدوین هماهنگ باشد، تجربه بحران را مستقیم‌تر می‌کند. در فیلم کوتاه، سکوت و مکث گاهی به اندازه دیالوگ معنا دارند.

«نقطه قرمز»؛ اخلاقی نگاه ومسئولیت‌تبت



«نقطه قرمز» ساخته محمد آقا محمدی و امیرعلی نقی زاده، از رنگ موقعیت حرفه‌ای برای طرح مسئله‌ای اخلاقی استفاده می‌کند. شخصیت اصلی عکاسی است که باید مراحل پیشرفت یک پروژه ساختمانی را ثبت کند، اما آنچه می‌بیند او را میان ثبت واقعیت و ساختن تصویری مطلوب قرار می‌دهد. دوربین ابتدا ابزار انجام مأموریت است. اما تدریج، به‌محور تصمیمی تبدیل می‌شود که پیامدهایش از محدوده کار حرفه‌ای فراتر می‌رود. عکاس در آغاز جایگاه‌شاهد را دارد؛ کسی که باید آنچه رخ می‌دهد ثبت کند. اما وقتی

واقعیت ثبت‌شده با تصویر مطلوب دیگران تضاد پیدا می‌کند، بی‌طرفی ممکن نیست. ثبت کردن یا ثبت نکردن، انتخابی فنی نیست؛ تصمیمی است که نسبت شخصیت را با حقیقت ومسئولیت مشخص می‌کند. عنوان فیلم نیز فراتر از یک نشانه تصویر، می‌تواند علامت خطری باشد که نادیده گرفتنش پیامدهایی واقعی دارد.

قوت سوز در پیوند آن با تجربه اجتماعی است: فاصله میان آنچه واقعاً رخ داده و آنچه قرار است نمایش داده شود. تصویر می‌تواند ابزار آشکار کردن حقیقت باشد و یا وسیله پنهان کردن آن. فشار اقتصادی و ترس از دست‌دادن شغل نیز نباید به معانی ساده تبدیل شود؛ اهمیت دوره‌ای زمانی آشکار می‌شود که هر دو سویی آن هر زینه داشته باشند. هر چه تصمیم نهایی بیشتر از رفتار و تردید شخصیت بیرون بیاید، تأثیر اخلاقی فیلم طبیعی‌تر خواهد بود.

«مرز»؛ روایت بادن ومحیط



«مرز» ساخته مصطفی کشاورز، با حذف دیالوگ، فیلم را به تجربه‌ای بصری نزدیک می‌کند. حرکت بدن، وضعیت محیط و مواجهه شخصیت با موانع، جای بخشی از توضیحات کلامی را می‌گیرند. داستان عبور غیرقانونی از مرز زمینه‌ای فراهم می‌کند تا مسیر فیزیکی شخصیت به‌عناصر اصلی روایت تبدیل شود.مسیری که دشواری آن را نمی‌توان فقط با چند جمله در باره خطر رودخانه گل‌آلود، زمین نامطمئن و موانع طبیعی صرفاً پس‌زمینه نیستند؛ محیط بر حرکت شخصیت اثر می‌گذارد و هر قدم را به کنشی معنادار تبدیل می‌کند. فیلم به‌جای توضیح خطر، می‌کوشد آن را به تجربه دیداری بدل کند. این شیوه، مسئولیت بیشتری بر دوش تصویر می‌گذارد: وقتی دیالوگ حذف می‌شود، هر کنش باید اطلاعاتی درباره

موقعیت یا تغییر مسیر داستان منتقل کند. «مرز» را می‌توان فراتر از عبور جغرافیایی خواند. مرز در معنای نمادین، فاصله میان وضعیتی موجود و آرزوهای است که شخصیت در جست‌وجوی آن است. مقصد ممکن است روشن باشد، اما راه رسیدن به آن خطرناک دارد که از پیش نمی‌توان همه را شناخت. قدرت روایت نه در پیچیدگی بی‌پایان، بلکه در استفاده از امکانات سینماست: فشار محیط بر بدن، فرسودگی حرکت و فاصله میان تصمیم و پیامد.

«خاک»؛ پایان‌بندی به‌مثابه بازخوانی معنا



«خاک» ساخته توحید یا محمدی، با موضوع مراقبت از پیکر متوفی و مواجهه با تعرض به آن، زمینه‌ای دینی را در قالب یک موقعیت داستانی پیش می‌برد. موضوع از ابتدا با مفهوم حرمت انسان پس از مرگ پیوند دارد، اما به همین سطح محدود نمی‌شود. آنچه اهمیت پیدا می‌کند، نسبت میان باور، مسئولیت و رفتار شخصیت‌ها در موقعیتی است که ارزش‌های مورد اعتقادشان آزموده می‌شود.

در روایت کوتاه، پایان‌بندی می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای در بازتعریف آنچه پیش‌تر دیده‌ایم داشته باشد. غافلگیری زمانی مؤثر است که فقط اطلاعات تازه اضافه‌کنند، بلکه فهم مخاطب از موقعیت و نشانه‌های قبلی را تغییر دهد. اگر پایان از دل منطقی روایت بیرون آمده باشد، تماشاگر می‌تواند لحظات پیشین را دوباره مرور کند و معنایی بیابد که در نگاه نخست آشکار نبود.

«خاک» به پیوند پایان و موضوع متکی است. مراقبت از پیکر متوفی در سطح نخست عملی مرتبط با احترام و مسئولیت است؛ در سطحی دیگر، می‌تواند به نسبت انسان با باورهایش و میزان پایبندی او به ارزش‌هایی اشاره کند که در شرایط دشوار معنا پیدا

می‌کنند. مضمون دینی زمانی در سینما به تجربه دراماتیک تبدیل می‌شود که از خلال انتخاب و رفتار شخصیت‌ها آشکار شود، نه با گزاره‌ای مستقیم. عنوان فیلم نیز امکان تأملی نمادین فراهم می‌کند: خاک بامرگ و بازگشت بدن به زمین را تباد دارد، اما یادآور محدودیت انسان و ارزش رفتاری نیست که پس از پایان زندگی از میان نمی‌رود.



«ما»؛ با اختلاف زن و شوهری بر سر فضای خواب، از موقعیتی روزمره کمدی می‌سازد. موضوع در ظاهر کوچک است: چند سانتی متر فضای بیشتر یا کمتر روی تخت‌خواب. اما همین اختلاف جزئی می‌تواند مناسبات پنهان رابطه را آشکار کند. در زندگی مشترک، گاهی بحران از بزرگی مسئله نمی‌آید، بلکه از معنایی می‌آید که هر طرف به‌سهم خود از فضا، توجه و حق انتخاب می‌دهد.

تخت‌خواب فراتر از یک وسیله صحنه عمل می‌کند؛ فضای محدود آن مرزی فیزیکی است که زن و شوهر برای حفظ سهم خود از آن تلاش می‌کنند. کمدی از فاصله میان کوچکی موضوع و شدت واکنش‌ها شکل می‌گیرد. مزیت چنین ایده‌ای قابلیت گسترش آن از طریق بازی بدن و میزانشن است. حرکت شخصیت‌ها، تغییر جایگاه آن‌ها در قاب و شیوه استفاده از فضای تخت‌خواب می‌تواند به اندازه دیالوگ در ساختن موقعیت کمیک نقش داشته‌باشد. در مقابل، تکرار یک شوخی بدون تغییر در مناسبات شخصیت‌ها ظرفیت کمدی را کاهش می‌دهد. کمدی موقعیت زمانی پیش می‌رود که هر تکرار چیزی به شناخت مخاطب اضافه کند یا تعارض را به مرحله تازه‌ای برساند.

«روز جهلم»؛ امید در قلمرو باورهای عامیانه



«روز جهلم» بر موقعیتی نامتعارف بنا شده است: زنی که برای بچه‌دار شدن تصور می‌کند باید چهل مرده را غسل دهد. همین ایده مجموعه‌ای از پرسش‌ها در رنج، امید، باورهای عامیانه و تلاش برای تغییر سر نشوشت ایجاد می‌کند. شخصیت در برابر خواسته‌ای عمیق قرار دارد و برای رسیدن به آن به عملی دشوار متوسل می‌شود: عملی که فاصله میان امید فردی و منطق بیرونی جهان را آشکار می‌کند.

میل به فرزندآوری می‌تواند بیش از یک خواسته شخصی باشد؛ با انتظارات خانوادگی، فشارهای اجتماعی یا احساس ناتوانی در تغییر شرایط پیوند بخورد. اگر فیلم این زمینه‌ها را از خلال رفتار و موقعیت نشان دهد، عمل نامتعارف شخصیت به‌جای عجیب‌بودن، به بخشی از تجربه انسانی قابل درک تبدیل می‌شود. مخاطب لازم نیست با باور شخصیت موافق باشد تا رنج یا امیدی را که او را به این مسیر کشانده بفهمد. باور عامیانه در اینجا راهی بسرای آشنایی رابطه انسان با ناتوانی است. درام از شکاف میان خواسته و ابزارهای معمول شکل می‌گیرد. پایان‌بندی زمانی معنا پیدا می‌کند که درک ما از تلاش شخصیت را دگرگون سازد: نه فقط با نتیجه‌ای غیر منطکر، ه

بلکه با تغییر نگاه مخاطب به امیدی که او را پیش برده‌است.

«شیطونی»؛ فاصله میان ایده و درام



فیلم با ایده حضور دستی زنده و مستقل، یادآور شخصیت تینگ در مجموعه وژندی، وارد فضایی فانتزی می‌شود. این عنصر می‌تواند سرچشمه موقعیت‌های کمیک، ترسناک یا اخلاقی باشد؛ زیرا موجودی مستقل که در عین حال به شخصیت اصلی وابسته است، امکان‌های متفاوتی برای کنش و تعارض ایجاد می‌کند. جذابیت اولیه فیلم از همین قابلیت تصویری می‌آید.

اما ایده فانتزی زمانی به درام تبدیل می‌شود که حضور عنصر نامتعارف برر انتخاب‌ها و روابط شخصیت‌ها اثر بگذارد. اگر دست زنده صرفاً ابزاری برای چند موقعیت عجیب یا یک پایان غافلگیرکننده باشد، بخش مهمی از ظرفیت آن بااستفاده می‌ماند. در مقابل، اگر کنش‌های آن رابطه شخصیت با قدرت، مسئولیت یا خواسته‌های خود را تغییر دهد، عنصر فانتزی به‌موتور پیش‌برنده داستان بدل می‌شود. پایان‌بندی در این نوع روایت اهمیت ویژه‌ای دارد؛ غافلگیری وقتی ماندگار است که فهم ما از شخصیت و اتفاقات قبلی را نیز تغییر دهد. فانتزی به فیلم‌ساز آزادی می‌دهد، اما این آزادی زمانی نتیجه بخش است که قواعد تازه در جهان داستان انسجام داشته‌باشند.

«دزو»؛ جغرافیا، خانواده ومسئولیت

«دزو» ساخته صادق باقی، در جغرافیای شهرستان راور کرمان شکل می‌گیرد و عنوان آن در گوش محلی به معنای «زده» است. داستان درباره پدر و دختری است که در منطقه‌ای دور افتاده زندگی می‌کنند و به چوپانی مشغول اند؛ دختر مسئولیت نگهداری از گله را بر عهده دارد. انتخاب چنین فضایی امکان پیوند داستان با محیطی را فراهم می‌کند که طبیعت، فاصله از مراکز شهری و شیوه زندگی محلی در آن بر روابط و تصمیم‌های شخصیت‌ها اثر می‌گذارد. در فیلم‌هایی با جغرافیای بومی، محیط‌زمانی به‌عناصر مؤثر روایت تبدیل می‌شود. که فقط منظره‌ای برای بیان درک ناب فاصله، دشواری دسترسی، شرایط کار و رابطه انسان با حیوانات و زمین می‌تواند ساختار زندگی شخصیت‌ها را شکل دهند. مسئولیت نگهداری از گله و فاک و طیفه روزمره نیست؛ بخشی از رابطه فرد با خانواده و محیطی است که زندگی او به آن وابسته است. تمرکز بر دختر چوپان نیز امکان طرح مسئله مسئولیت واستقلال افرارهم می‌کند. رابطه پدر و دختر می‌تواند بستری برای بررسی انتقالات تجربه، اعتماد و حدود اختیار باشد. به‌ویژه از مسئولیت دختر او را در موقعیتی قرار دهد که ناچار شود فراتر از نقش تعریف‌شده خود عمل کند.

کلام آخر

آنچه این فیلم‌ها را در کنار تفاوت موضوعی به هم وصل می‌کند، نسبت میان ایده و اجراست. سوزنه جذاب می‌تواند نقطه شروع باشد، اما کیفیت نهایی به تبدیل آن به موقعیت، کنش، تصویر و تحول شخصیت بستگی دارد. در فیلم کوتاه این نسبت اهمیت بیشتری دارد، زیرا فرصت پرداخت محدود است و هر جزئیات باید سهمی در پیشبرد داستان یا تعمیق معنا داشته‌باشد.

غذایی‌شان کاهش یافته وحیات خانوادهبه مخاطره می‌افتد. حضور باز یگرانی چون محمدپوربا هالای، الیابان، نیمه‌آقاخان، عسل کریمی وحسام زرنوشه در این پروژه تئاتری مشهود بوده‌وقلمثل حسام زرنوشه نقش پدر اقتدار گرای خانوادہ را با مهارت تازی می‌کند که همه‌یشدلنگران موقعیت خانواده و آشنا به دستورات مرکز دولتی است. کسی که بیش از همه ا اضافه‌شدن یک فرزند به خانواده لنگران است و تمامی کوشش خود را در جهت کنترل وضع موجود می‌کند.همچنان که عسل کریمی در نقش مادر، وجه متناقض نمایی از یک زن را به نمایش می‌گذارد که میان تبعیت از دستورات سوپرایکویی شهر و میل به نگه‌داشتن فرزندز که در شکم دارد سرگردان است. در مقابل این دو نفر، نیمه‌آقاخان و الیابان، پسرودختر خانواده، مقاومتی هر چند کم‌دامنه را از عاملیت انسانی خویش در مقابل سیستم کنترل گر دولت به‌اجرا گذاشته ولحمای مثبت از انسان مستقل بودن را بازتاب می‌دهند. به این گروه می‌باید محمدپور با هالای را افزود که در جایگاه مأمور مزدبگیر و گوش به فرمان دولت، به نابود به خلوت خانه ورود کرده ومسئول آماج گری از اعضای خانواده و اتفاقات پیشین بیانیذیر خانواده است. هر کدام از شخصیت‌ها، همچون مهره‌ای عمل می‌کنند که تو گویی از پیش، نقش، جایگاه و کار دردش معلوم شده و می‌بایست تابه انتظار می‌ایند. در این بین، هر نوع اختلال وسرپیچی، می‌تواند نوبدبخش نابودی یا حضور خلافتانه تک تک افرادی باشد که اقتدار سیستم کنترل گر را به چالش می‌کشند.

در نهایت می‌توان گفت اجرای نمایش شکم با تمامی نقدهایی که به مضمون محافظه کارانه‌اش می‌توان داشت همچنان به لحاظ اجرایی، تماشایی و فراموش‌نشدنی است. جایی که تئاتر دانشجویی این فرصت را یافته با مناسبات کمابیش حرفه‌ای قدم به تئاتر بدنه بگذارد و زرباشناسی خاص خود را عرضه کند. از این جهت می‌توان با این فیلم اجرا همراه شد و از کلیت حضورشان در میدان فرهنگی تئاتر دفاع کرد. در زمانه‌ای که ابتزال فراگیر شده وسخت‌کوشی امری بی‌ثمر معرفی می‌شود به تماشای نمایشی چون شکم نخستین می‌تواند روح افزا باشد و موجب خرسندی، چراکه محصول رفاقت است و پیشکار و ناپشتکار بودن.

